

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۳۷، پیاپی ۱۲۷، بهار ۱۳۹۷

انجمن ایالتی تبریز، تغییر الگوی مدیریت شهری^۱

عباس قدیمی قیداری^۲
مرتضی شهسواری^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۹

چکیده

تقابل شیوه اداره سنتی، انتصابی، غیردموکراتیک و ناکارآمد امور شهرها در دوره قاجار با شیوه‌های مدرن اداره امور شهری و کشوری، که ایرانیان عصر مشروطه به تازگی با آن آشنا شده بودند، موجب گردید تا یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های نیروهای اجتماعی مؤثر در انقلاب مشروطیت، شکل‌گیری نهادهای مدنی مدرن و دموکراتیکی باشد که متضمن نقش‌آفرینی شهروندان، خارج‌ساختن اداره امور از ید اختیار نیروهای سنتی طرفدار شیوه‌های تمرکزگرایانه در اداره امور کشور، گردش نخبگان و تجلی اراده و هویت اهالی شهری بود. تدوین قوانین مربوط به «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» و «انجمن بلدی» در مجلس اول شورای ملی و شکل‌گیری این انجمن‌ها در برخی ایالات و ولایات، در واقع برای

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2018.20107.1635

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز: ghadimi@tabrizu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تبریز: roshahsavari@gmail.com

پاسخ‌گویی به همین خواست این نیروها صورت گرفت. پژوهش حاضر با محور قرار دادن شهر تبریز، با روشی توصیفی-تحلیلی درصدد بررسی میزان موفقیت «انجمن ایالتی تبریز» در تحقق خواسته‌های این نیروهاست. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که انجمن تبریز با به‌خدمت‌گرفتن نوعی از الگوی مدیریتی شبه «دولت محلی» شهری مدرن توانست، برنامه‌ها و اقداماتی را تدارک ببیند که حافظ منافع شهروندان و حفظ هویت تبریز به عنوان پایتخت دوم کشور باشد.

واژه‌های کلیدی: انجمن تبریز، مشروطیت، استبداد، مدیریت شهری، حقوق شهروندی.

مقدمه

امروزه هرچند با پیشرفت فناوری‌های نوین ارتباطی، موانع سنتی ارتباط میان انسان‌ها از میان رفته و شهروندان به راحتی می‌توانند با بهره‌گیری از این فناوری‌ها نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را درباره شهر و نحوه اداره آن به گوش سایر شهروندان و مدیران شهری برسانند، ولی گستردگی زیاد شهرها و تبدیل شدن آنها به مکان‌های اصلی زندگی بر پیچیدگی مسائل شهری و نوع و نحوه مدیریت آن نیز افزوده است. به همین علت، آگاهی از تجربه‌های زندگی شهری گذشته، مخصوصاً نمونه‌های موفق مدیریت شهری در گذشته، در کنار آگاهی از دستاوردهای مدیریت شهری نوین، یکی از نیازهای مدیران شهری امروز برای برنامه‌ریزی صحیح و انجام مدیریت موفق محسوب می‌شود. یکی از موفق‌ترین دوره‌های مدیریت شهری مدرن و مبتنی بر شیوه‌های دموکراتیک در ایران — به نسبت ظرفیت‌های زمانه — در اوایل دوره مشروطه رخ داد که با تدوین قوانین مربوط به «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» و «انجمن بلدی» و شکل‌گیری این انجمن‌ها در برخی ایالات و ولایات، الگوی مدیریتی نوینی پیش‌روی شهروندان گشوده شد، که توجه به این الگوها و نحوه عملکرد آنها امروزه می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مشکلات مدیریتی شهری گردد.

انجمن ایالتی تبریز و الگوی مدیریت شهری آن، که موضوع پژوهش حاضر را شامل می‌شود، یکی از این نهادهای مدنی برآمده از دل جریان مشروطه‌خواهی ایرانیان بود که در

کنار وظیفه دفاع از اهداف مشروطه خواهان در برابر حاکمیت استبداد، توانست در ارائه الگوی «دولت محلی»^۱ شهری مدرن و دموکراتیک به همراهی نهادهای دیگری چون «انجمن بلدیة» و سوق دادن جامعه به سمت جامعه مدنی نقش مؤثری ایفا نماید. درخصوص الگوی دولت محلی شهری لازم به توضیح است که در جهان امروز در برخی کشورها اداره امور شهرها متکی بر دولت های محلی دموکراتیک است. واگذاری امور عمومی محلی به شهروندان و رضایت مندی عمومی که پیامد آن مقبولیت حکومت و توسعه دموکراسی در قالب نظام عدم تمرکز است، مهم ترین ثنوری اداره امور عمومی در عصر حاضر می باشد. این دیدگاه که فلسفه خود را از سرشت آزاد انسان، تعلق مکانی و حق اداره قلمرو محل زندگی توسط ساکنان می گیرد، در قالب «دولت محلی» ظاهر شده است و موجب می شود تصمیم گیری، اجرا و نظارت درباره امور محلی در چارچوب سیاست های کلی حکومت مرکزی به نهادها و سازمان های مردمی (نظیر شوراها، شهرداری ها و نهادهای مدنی) و نیز مقامات و نهادهای دولتی محلی (نظیر فرمانداری، شهرداری، بخشداری و ادارات دولتی) واگذار شود. نقش آفرینی و کارکردهای دولت محلی تابع صلاحدید دولت مرکزی است که قبض و بسط قدرت دولت محلی را در کنترل خود دارد. دولت محلی به صورت واقعیتهی انکارناپذیر و ضرورتی روبه گسترش در جهان در آمده است تا جایی که دولت مرکزی بدون دولت محلی از نظر ارتباط با شهروندان دچار خلأ می شود.^۲

الگوهای «دولت محلی» شهری در جهان متعدد است که مهم ترین آنها مدل شهردا-شورا، شورا-مدیر، کمیسیون، نشست شهری باز و نشست نمایندگان شهری می باشد، که

۱. در خصوص الگوی «دولت محلی» کار پژوهشی زیادی صورت نگرفته است. از محققین خارجی که در این زمینه کار کرده اند می توان از: کار Carr و همکارانش (۱۹۶۴) در کتاب *دموکراسی آمریکایی در تئوری و عمل*، همچنین از سافل (۱۹۹۳)؛ دیگایانو و استروم (۲۰۰۳) نام برد. در ایران نیز محققینی چون برک پور و اسدی (۱۳۸۸) با انتشار کتاب *مدیریت و حکمروایی شهری در فصلی از کتاب خود الگوهای مدیریت شهری را بررسی کرده اند*. هادی ویسی نیز از دیگر محققانی است که در مقاله ای با عنوان «بررسی الگوهای دولت محلی و تطبیق آن با شهرهای ایران»، در این زمینه کار کرده است.

۲. اولین همایش ملی مدیریت محلی کارآمد در ایران، پاییز ۹۳، خانه اندیشمندان علوم انسانی،

سهم مدل شورا- مدیر در میان شهرهای مختلف جهان بیش از سایر موارد است. در واقع «دولت محلی» شهری در ایران از جنبش مشروطیت در سال ۱۲۸۵ش. آغاز شده است. این تاریخ نقطه عطفی در مدیریت شهری در ایران است. از این زمان بنیان‌های دولت محلی شهری نظیر بلدیه و انجمن ایالتی به صورت دموکراتیک در ایران گذاشته شد که این بنیان‌ها به‌عنوان واکنش نیروهای اجتماعی مؤثر در انقلاب مشروطه در برابر نیروهای وابسته به نظام کهن استبدادی، برای دردست گرفتن اداره امور، شکل یافتند و به‌عنوان نمادی از خودآگاهی گروه‌های متوسط و پایین نیروهای مشروطه‌خواه نسبت به حقوق و وظایف شهروندی خود و تلاش آنها برای دردست گرفتن سرنوشت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهر و منطقه سکونت و جامعه خود و به صورت مبارزه‌ای غیرمستقیم در برابر گروه‌های وابسته به حاکمیت چندین سده استبدادی، درصدد یافتن جایگاهی ممتاز و برابر با گروه‌های ذکرشده برآمدند. حال با توجه به این ملاحظه‌ها، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی است که «انجمن تبریز»، به‌عنوان یکی از نخستین نمونه‌های الگوی «دولت محلی» شهری مدرن شکل گرفته در تاریخ معاصر ایران، تا چه حد در تحقق این خواسته‌های شهروندان، موفق بود؟

هرچند تاکنون مقالات و کتاب‌های متعدد و حتی پایان‌نامه‌هایی در خصوص نقش تبریز و آذربایجان و انجمن ایالتی تبریز در انقلاب مشروطه نوشته شده، ولی اثری که اختصاصاً به بررسی نوع مدیریت شهری انجمن تبریز و الگوی به‌کارگرفته‌شده در آن پرداخته باشد، وجود ندارد، هرچند که شاید در لابه‌لای همین مقالات و کتاب‌های یادشده اشاراتی هم به عملکردهای انجمن تبریز شده باشد. در پژوهش حاضر که «انجمن ایالتی تبریز، تغییر الگوی مدیریت شهری» نام گرفته، سعی شده با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، چگونگی شکل‌گیری انجمن ایالتی تبریز و اقدامات این نهاد مدنی در بُعد مدیریت شهری، در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخی آذربایجان و تبریز، یعنی فاصله زمانی ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ ق. با مینا قرار دادن ارگان این نهاد مدنی یعنی روزنامه «انجمن تبریز»، که البته در دوره فعالیت خود با نام‌های متفاوت «روزنامه ملی»، «جریده ملی»، و در نهایت «روزنامه انجمن تبریز» منتشر می‌شده، مورد بررسی قرار گیرد.

شکل‌گیری انجمن تبریز

با صدور فرمان مشروطه توسط مظفرالدین شاه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش. و تدوین اولین نظامنامه انتخاباتی مجلس شورای ملی، زمینه‌های شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین نهادهای مدنی پشتیبان مجلس و مشروطه، یعنی انجمن‌های ایالتی و ولایتی در کشور، به طور رسمی و قانونی فراهم شد. براساس ماده ۹ این نظامنامه، برای آن‌که انتخابات مجلس از نفوذ حکام به دور ماند، پیش‌بینی شد «هیئت نظار» از طبقات شش‌گانه شهری، زیر نظر حاکم تشکیل شود تا کار انتخابات مجلس را انجام دهد.^۱ در هر ایالتی دو نوع انجمن تشکیل می‌شد: ۱- انجمن‌های ایالتی در شهر اصلی و ۲- انجمن‌های محلی در شهرهای دیگر (آفاری، ۱۳۸۵: ۱۰۳). بر همین اساس، پس از وصول فرمان مظفرالدین شاه در خصوص برگزاری انتخابات در آذربایجان، «شب غره شهر رمضان... جمعی از آقایان علماء و طلاب و چند نفر از معتبرین تجار و معارف در عمارت حاجی محمدحسین خان، که مجلس مبارک و در محله ارمنستان واقع است، جمع شده بعد از مشاوره و مذاکرات زیاد قرار گذاشتند که عجلتاً دو مجلس ترتیب بدهند.^(۱) مجلس موقتی که متشکل از چند نفر علما و بیست نفر تجار باشند که سابقاً موقتاً بوکالت انتخاب شده بودند، ماه رمضان را هفته [ای] چهار شب... معزی الیهم جمع و در خصوص بعضی امورات مشاوره و گفتگو کنند.^(۲) مجلس... انجمن نظارت انتخابات که به عضویت شش نفر ذیل که از طبقات شش‌گانه به اکثریت از طرف علما؛ جناب آقا شیخ سلیم؛ از طرف شاهدگان، جناب هدایه‌الله میرزا؛ از طرف اعیان جناب آقای عدل‌الملک؛ از طرف تجار جناب حاجی محمدجعفر آقا؛ از طرف ملاکین و فلاحین جناب آقای احسن‌الدوله؛ از طرف کسبه و اصناف جناب آقای حاجی میرزا ابراهیم آقا...» انتخاب شدند. ضمناً محمدعلی میرزای ولیعهد، اجلال‌الملک را معین کرد تا در مجلس مذکور حضور یافته و عرایض مجلس را به اطلاع ولیعهد رساند و جواب و دستخط صادر نماید (روزنامه ملی، ش ۱، ۱۳۲۴: ۱). بدین ترتیب نخستین انجمن در تبریز با نام «مجلس ملی»^۲ شکل گرفت تا کار نظارت بر انتخابات مجلس شورای ملی در ایالت آذربایجان را

۱. نظامنامه انتخابات اصنافی، <http://rc.majlis.ir/fa/law>

۲. البته این نام بعدها برای رفع سوءظن برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی، در نهایت به «انجمن ایالتی آذربایجان» یا همان «انجمن تبریز» تغییر نام داد. (سهراب یزدانی (۱۳۸۵). *مجاهدان مشروطه*. تهران: نشر نی. ص ۵۴).

برعهده گیرد. البته این تنها زمینه تشکیل انجمن ایالتی نبود. چون با اتمام کار انتخابات، طبعاً انجمن‌های محلی نظارت هم باید به کار خود پایان می‌دادند. هم‌چنان که با پایان یافتن انتخابات تبریز، محمدعلی میرزا، که در این زمان در مقام ولیعهدی حکومت آذربایجان را برعهده داشت، وظیفه انجمن را که نظارت بر انتخابات بود، خاتمه یافته دانسته و خواستار انحلال آن گردید. ولی مردم تبریز که به علت نبود قانون و دادگستری و عدالتخانه جهت جلوگیری از ظلم و ستم فراش‌های حکومتی و تحکیمات ولیعهد، انجمن را محلی برای دادخواهی و بیان آزادانه خواسته‌های خود یافته بودند، با هدایت رهبران خود به شدت در برابر این خواست ولیعهد ایستاده و خواستار تداوم کار انجمن گردیدند و با فشار خود سرانجام ولیعهد را مجبور به صدور دستخطی به تاریخ ۱۷ رمضان ۱۳۲۴ ق/۱۳ آبان ۱۲۸۵ ش. در خصوص موافقت با ادامه کار انجمن نمودند (روزنامه ملی، ش ۵، ۱۳۲۴: ۲). بدین ترتیب شکل جدیدی از دموکراسی مردمی در تبریز ریشه دواند که سرانجام در سراسر کشور رشد یافت. به قول ژانت آفاری، شاید اگر انجمن تبریز بلافاصله بعد از انتخابات منحل می‌شد و اگر سایر انجمن‌های ایالتی و ولایتی از تبریز سرمشق نمی‌گرفتند، روند دموکراتیک به مجلس تهران منحصر می‌ماند (آفاری، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

البته در اینجا یادآوری این نکته نیز ضروری است که در کنار نیاز مردم به پناهمگاهی مثل انجمن، این رهبران و گردانندگان حقیقی انجمن و انقلاب تبریز، از جمله مرکز غیبی^۱ بودند که محرک مردم برای برپایی این گونه تجمعات و درخواست‌ها بودند. چون این رهبران با شناختی که از تجربه انقلابیون روسیه داشتند، می‌دانستند که تداوم مشروطه در گروه‌گیری و تداوم چنین نهادهای مدنی شهری می‌باشد تا با تقویت پایگاه اجتماعی مشروطه‌خواهان در برابر پایگاه سنتی ریشه‌دار نیروهای طرفدار استبداد، امکان تمرکززدایی و در دست گرفتن سرنوشت سیاسی اجتماعی و فرهنگی شهر و منطقه سکونت و جامعه

۱. مرکز غیبی توسط ۱۲ نفر از جوانان تندرو که با روزنامه گنج‌فنون همکاری می‌کردند، به رهبری علی مسیو با هدف تشکیل یک قوای ملی برای دفاع از آزادی شکل گرفت (مهدی ملک‌زاده (۱۳۷۱). *تاریخ مشروطیت ایران*، تهران: انتشارات علمی، ص ۳۹۹؛ پرواند آبراهامیان (۱۳۸۹). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی. ص ۹۸). به تعبیری شاید بتوان گفت که مرکز غیبی اتاق فکر انجمن تبریز بوده و شاخه نظامی انقلابیون تبریز را که همان مجاهدین بودند ایجاد و هدایت می‌کرد.

خودشان فراهم آید. بنابراین مشروطه خواهان تبریز، با توجه به شناختی که از ماهیت استبدادی حکومت قاجار و خوی و خصلت گردانندگان این حکومت داشتند و نیز با آگاهی از تجربه انقلابیون روسیه و منطقه قفقاز، پس از این جریانات نیز از پای ننشسته و این بار به تلاش‌های خود جهت قانونی و نهادینه کردن فعالیت انجمن‌ها پرداختند و بر فشار خود بر نمایندگان مجلس، جهت تصویب هرچه سریع‌تر «قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی» افزودند تا این که بر اثر همین فشارها و نیز فعالیت‌های انجمن‌های شهرهایی چون اصفهان، خراسان، رشت و کرمان و چند شهر دیگر و گزارش‌ها و تلگرافات متعددی که از این شهرها به مجلس اول شورای ملی در خصوص اغتشاشات امور ایالات و ولایات و بلا تکلیفی انجمن‌ها رسید، نمایندگان ضرورت تصویب «قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی» را جهت سروسامان یافتن امور ایالات و ولایات بیشتر حس کردند، تا این که از جلسه ۶۷ مجلس بررسی نظامنامه انجمن‌های ایالتی در دستور کار مجلس قرار گرفت و در جلسه ۶۸ که در ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ق. برگزار شد، این قانون در ۱۲۲ ماده به تصویب رسید و بدین ترتیب انجمن‌های مزبور را نماینده رسمی دولت خواند (مشروح مذاکرات مجلس ملی، جلسه ۶۸: ۶۸).

بنابراین باید توجه داشت که شکل‌گیری و فعالیت انجمن‌ها در عصر مشروطه به‌عنوان شاخص‌های جامعه مدنی در ایران سال‌های ۱۳۰۴-۱۲۸۵ش. به‌نوعی نشانگر وجود حرکت‌هایی از سوی مردم در راستای حرکت و عمل به‌سوی تحقق آرمان‌های مشروطه خواهان به حساب می‌آید. در حقیقت عملکرد این انجمن‌ها در قالب جامعه مدنی شکل گرفت. مردم ایران که تا قبل از اعلان مشروطه فاقد حقوق سیاسی و اجتماعی بودند و رعایای سلطان مستبد به شمار می‌رفتند با فعالیت در چارچوب این انجمن‌ها و پیرامون آنها توانستند وارد فعالیت‌هایی سازمان یافته شوند؛ دیگر می‌توانستند برای خود حقوقی را به واسطه فعالیت در این انجمن‌ها قائل شوند که تا پیش از آن برای‌شان رویایی بیش نبود (علیزاده، ۱۳۹۲: ۶۴).

انجمن تبریز پس از شکل‌گیری، با تأثیرپذیری از تحولات سیاسی منطقه و کشور، در طی دو دوره زمانی کاملاً مشخص قبل و بعد از به توپ بستن مجلس، دست به اقداماتی زد:

۱. دوره اول از شکل‌گیری انجمن تا زمان به توپ بستن مجلس و برقراری استبداد صغیر. این دوره، خود به لحاظ ترکیب اعضا و نوع عملکرد، به دو دوره متفاوت از

شکل‌گیری تا واقعه قراچمن^۱، و دوره پس از این واقعه تا استبداد صغیر تقسیم می‌شود که در این تغییر و تحولات تا حدودی انجمن از دست نیروهای محافظه‌کار و بانفوذ شهر خارج شده و به دست نیروهای انقلابی می‌افتد؛ نیروهایی که درصدد بودند تا از طریق این نهاد جدید، اداره امور را از کنترل نیروهای گذشته خارج ساخته و از این طریق گردش‌نخبگان را رقم‌بزنند. ضمن این‌که با توجه به نقش «مرکز غیبی» در این جریان‌ات، عملکرد انجمن نیز تا حدی به سمت و سوی رادیکال‌شدن سوق یافت.

۲. دوره دوم: دوره‌ای است که از استبداد صغیر شروع و تا انحلال انجمن با ورود سپاهیان روس و تسلط صمدخان شجاع‌الدوله بر تبریز ادامه می‌یابد. در این دوره نیز با توجه به انحلال موقتی انجمن و بازسازی دوباره آن توسط سرگردگان مجاهدین، که در مبحث بعدی همین پژوهش به آن پرداخته خواهد شد، باز نقش نیروهای انقلابی در عملکردها و جهت‌گیری‌های انجمن بیشتر نمایان است.

انجمن تبریز در رأس مدیریت شهری

در بیان ویژگی‌های «مدیریت شهری» چنین آمده که مدیریت شهری علاوه بر آن‌که باید حافظ منافع شهرها باشد، باید برنامه‌هایی را تدارک و تحقق بخشد که نتیجه آن به ارتقاء سطح فرهنگ عمومی، حفظ ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مثبت، اعتدال در زیست‌سالم مردم، رفاه عمومی و اجتماعی، سلامت جامعه، زمینه‌سازی و مشارکت در حل مشکلات شهروندان، منجر شود. بنابراین وظیفه مدیران شهری، اداره توأم امور کالبدی و اجتماعی شهرهاست (زاهد زاهدانی، زهری بیدگلی، ۱۳۹۱: ۸۴-۸۵).

حال با توجه به تعریف فوق، در این جا قصد داریم با بررسی اقدامات و برنامه‌های انجمن تبریز (به عنوان نهادی که مدیریت شهری تبریز را در فاصله زمانی ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۰ ق.

۱. در ماه صفر ۱۳۲۵ ق. به علت اختلافی که بین رعایا و مالک روستای قره‌چمن روی داد، میرزا حسن مجتهد از مالک حمایت کرد، لذا به دستور نظام‌الملک، پیشکار ایالت، نصرالسلطان، حاکم میانج، به قریه مذکور حمله و به غارت آنجا پرداخت (روزنامه **انجمن**، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵. ص ۴-۱). این واقعه با اعتراض شدید مردم تبریز و برخی از اعضا انجمن روبه‌رو شد و اولین چالش جدی را از یک سو بین اهالی تبریز و انجمن و از سوی دیگر بین خود اعضا انجمن به وجود آورد و در نهایت باعث اخراج میرزا حسن مجتهد از تبریز گردید.

برعهده داشت)، میزان موفقیت و یا عدم موفقیت این نهاد اجتماعی در تحقق نیازهای شهروندان در طی دو دوره قبل و بعد از استبداد صغیر محمدعلی شاه را، البته با در نظر گرفتن تمامی تنگناها و شرایط بحرانی حاکم بر تبریز و آذربایجان این دوره، مورد بررسی قرار دهیم.

دوره اول فعالیت انجمن

در این دوره انجمن در سایه اتحاد و اتفاق و همدلی و امیدی که بر اثر مشروطه در دل و جان مردم محلات مختلف شهر تبریز ایجاد شده بود، توانست به عنوان یکی از نخستین نهادهای مردمی برآمده از دل مشروطه، علاوه بر برگزاری انتخابات نمایندگان مجلس اول در آذربایجان، اداره امور شهر را نیز در دست گرفته و ضمن رسیدگی به مسائل و مشکلات مردم و تبدیل شدن به ملجائی برای ستمدیدگان و تلاش در جهت رفع ظلم از آنها، و علی‌رغم فقدان زمینه‌هایی چون عدم آمادگی فرهنگی و ساختاری جامعه ایران برای پذیرش الگوهای دموکراتیک در جهت تحقق خودگردانی و دولت محلی؛ منطبق نبودن قوانین با شرایط و حال و روز کشور؛ پایین بودن سطح سواد؛ عدم اتحاد و وحدت رویه در رهبران سیاسی انقلاب مشروطه و تلاش‌های حکومت قاجار برای بازساخت قدرت مطلقه مرکزی (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۴۷)، الگوی جدیدی از شبه «دولت محلی» شهری مدرنی را در تبریز به نمایش گذارد که ضمن تطابق و هماهنگی با پیشرفته‌ترین الگوهای مدیریت شهری امروزی، قدم‌های استواری نیز در جهت نهادینه کردن این الگو و دموکراسی در جامعه آذربایجان و به عبارتی کل کشور برداشته شود. برخلاف روش و روندی که جریان اصلاح طلبی در ایران، از زمان عباس میرزا در پیش گرفته بود یعنی انجام اصلاحات از بالا و اصلاحات حکومتی، انجمن تبریز با مدنظر قرار دادن متن جامعه و مردم در عملکردهای خود، نه تنها مورد توجه مردم تبریز و آذربایجان بلکه ملجائی برای مردم ستم‌دیده کل کشور نیز قرار گرفت.

در این دوره انجمن در دو بُعد مدیریت شهری تبریز و امور داخلی آذربایجان و نیز بُعد خارج از ایالت، دست به اقدامات مهمی زد که در پژوهش حاضر فقط به اقدامات انجمن در بُعد داخلی آن، یعنی تدابیری که برای مدیریت شهری تبریز اندیشیده شد، پرداخته می‌شود.

در بُعد داخلی، مهم‌ترین مسائل و چالش‌های پیش‌روی انجمن عبارت بودند از:

۱. تلاش برای متحد ساختن مردمی با ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت و زمینه‌های اختلافات قومی و مذهبی ریشه‌دار، جهت از بین بردن شکاف‌های اجتماعی و تفرقه‌ساز، که مانع مهم و عمده‌ای بر سر راه نهادینه‌شدن اهداف و ارزش‌های انقلاب مشروطه محسوب می‌شدند. در این زمینه انجمن تلاش می‌کند از طریق کمک به شکل‌گیری سازمان‌های اجتماعی و نهادهای مدنی و شهری مدرن و دموکراتیک و گسترش آنها، با هدف ایجاد هویت جمعی و بالا بردن سطح آگاهی مردم، میزان مشارکت اجتماعی را توسعه داده و با بالا بردن سهم شهروندان در اداره امور شهر، اداره امور را از کنترل نیروهای سنتی طرفدار شیوه‌های استبدادی خارج سازد.

از جمله اقدامات انجمن در این زمینه، تشکیل انجمن‌های محلات شهر تبریز بود، تا با مشارکت دادن مردم محلات مختلف شهر در اداره امور جامعه خود، هم احساس توانایی و مؤثر بودن شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری را تقویت کند و هم تخصصی‌تر و ریزتر به بررسی مسائل و مشکلات شهر پرداخته و روند انجام کارها نیز تسریع گردد. ضمن این که نفس خود این امر می‌توانست نقش مهمی را در ایجاد هویت جمعی و شکل‌گیری علائق جمعی و احساس برخورداری از قدرت و توانایی اصلاح و تغییر اجتماعی و عادلانه و تفاهمی کردن مناسبات بین اهالی ایفا کند و بحث محله‌گرایی در تبریز را هم تا حدود زیادی کمرنگ‌تر سازد.

انجمن‌های شکل گرفته در محلات ابتدا در محل انجمن تبریز، در اتاقی به نام همان محله، مذاکرات خود را انجام می‌دادند و نتیجه آن را کتباً به انجمن تسلیم می‌کردند (طاهرزاده بهزاد، ۱۳۶۳: ۱۴۸). اما پس از مدتی صلاح در این دیده شد که شعبه‌هایی از انجمن تبریز در خود محلات تشکیل شوند. از آن جمله در محله مقصودیه، انجمن مساوات؛ محله چرنداب، انجمن اتحاد؛ محله امیرخیز، انجمن حقیقت؛ محله خیابان، انجمن خیابان؛ و در محله لیل آباد، انجمن لیل آباد. انجمن‌های مذکور، جلسات منظم و مرتبی داشتند و به شکایات مردم رسیدگی نموده و اقدامات لازم را به عمل می‌آوردند و پیشنهادات اصلاحی محله مربوطه را به انجمن ایالتی ارسال می‌داشتند. افتتاح این انجمن‌های محلات کمک‌های فراوانی به انجمن ملی و تحکیم

اصول مشروطیت و آزادی می نمود (طاهرزاده بهزاد، ۱۳۶۳: ۱۴۸-۱۴۹؛ ویجویه‌ای، ۱۳۸۶: ۲۳۹).

۲. انجمن در راستای توسعه فرهنگ شهروندمداری و افزایش آگاهی مردم، به ترویج فرهنگ مدرسه‌سازی و سوادآموزی نیز همت گماشت. اعضای انجمن از راه‌های مختلفی چون ایراد سخنرانی در جلسات مختلف و برشمردن فواید علم و آگاهی و تأکید بر لزوم گسترش مدارس برای جلوگیری از رفتن نوباوگان به مدارس اروپایی و یا تأکید بر این که این امر نخستین پایه ترقی ملت‌ها محسوب می‌شود (جریده ملی، ش ۲۵، ۱۳۲۴: ۴؛ همان، ش ۲۷، ۱۳۲۴: ۱). همچنین با معرفی مدارس تازه تأسیس در شماره‌های مختلف روزنامه انجمن و حتی ارائه کمک‌های مالی به آنها، سعی در ترویج این فرهنگ در بین شهروندان داشتند (جریده ملی، ش ۲۲، ۱۳۲۴: ۲؛ روزنامه انجمن، ش ۱۲۳، ۱۳۲۵: ۳). البته در این جا باید یادآور شد که پرداختن به مقوله علم و افزایش آگاهی شهروندان، تنها محدود به دور اول فعالیت انجمن نمی‌شود، به طوری که اعضای انجمن در دوره دوم فعالیت خود و پس از پیروزی مجاهدان در مقاومت چهارماهه در برابر اردوی دولتی و عوامل استبداد، با وجود تمامی مشکلات و گرفتاری‌ها و ویرانی‌های ناشی از جنگ و درحالی که هنوز راه‌های مواصلاتی به شهر توسط سواران رحیم خان و اردوی دولتی مسدود و ناامن بود، توجه به علم و معارف و تحصیل را اساس پیشرفت و ترقی هر جامعه‌ای دانسته و با راه‌اندازی دوباره اداره معارف، و سپردن امور مدارس به آن، طی اعلانی متذکر شدند که: «... عموم مدیران و مدرسان مدارس و مکاتب را لازم است که از روی پروگرام و دستور مدیر معارف، حرکت نمایند که بلکه از توجه ایشان اتحاد فکری از روی علم و حسن اخلاق در نوباوگان وطن به وجود آمده سعادت آتیه ایران را بهتر از ماها تأمین نمایند و از مضرت نفاق که ثمره جهل است، خلاص شوند (روزنامه انجمن، ش ۱۹، ۱۳۲۶: ۴).

۳. تلاش برای ترویج قانون‌مداری و آگاه کردن شهروندان به حقوق و وظایف شهروندی خود، از دیگر اقدامات انجمن در زمینه توسعه فرهنگ شهروندمداری بود. در این زمینه انجمن تبریز، برای کنترل هیجانات مردمی، که به علت صدور فرمان مشروطه خود را از زیر فشار چند هزار ساله استبداد، رها و آزاد شده می‌دیدند، و جلوگیری از انجام برخی

خودسری‌ها و بی‌قانونی‌ها به نام مشروطه، اعلانی را در تاریخ ۲۴ رمضان ۱۳۲۴ ق. در روزنامه ملی منتشر کرد و شهروندان را به درپیش گرفتن رفتاری قانونمند فراخواند. در بخشی از این اعلان چنین آمده است: «بر عموم اهالی تبریز اعلام می‌شود، منظور از مشروطیت و تشکیل انجمن، ترویج تمام احکام شرعیه و نشر رسومات ادب و انسانیت است و حرکات بی‌قاعده و ناملائمات را به کلی موقوف و رسومات غیر مشروعه عهد سابق را متروک نمایند. مخصوصاً اعضای انجمن ملی از عموم اهالی تبریز مستدعی‌اند بعد از این نوعی سلوک غیر مؤدبانه نمایند که به اعتبار و شرف انجمن و ملت صدمه رسانده و به وحشی‌گری و بی‌ادبی معروف شود...» (روزنامه ملی، ش ۷، ۱۳۲۴: ۲).

یکی از مهم‌ترین خواسته‌های انقلابیون تأسیس عدلیه بود که انجمن در راستای نهادینه کردن قانون‌مداری آن را ایجاد کرد. آماده‌نبودن قانون عدلیه و سرازیر شدن سیل عرایض و شکایات مردم ستم‌دیده و رنج‌کشیده شهر تبریز و سایر نواحی آذربایجان به سوی انجمن به محض شکل‌گیری آن، از جمله عواملی بودند که اعضای انجمن را بر آن داشتند تا با تأسیس عدلیه بتوانند تا زمان تصویب و ابلاغ قانون عدلیه، در کنار سایر وظایف اساسی خود، به رفع ظلم از مردم پرداخته و با این کار باعث مایوس شدن و دلزدگی مردمی که بسیاری از آنها گمان می‌کردند «...مشروطه همین رسیدگی به عرایض و رفع ظلم و تعدی است...» (جریده ملی، ش ۳۴، ۱۳۲۴: ۴) نشوند. طبق این مصوبه انجمن مقرر گردید که «مجلس محاکمه» ای تحت ریاست حکمران آذربایجان و نظارت انجمن مقدس مرکب از اعضای که به تصویب حکومت جلیله و تصدیق اعضای انجمن می‌رسد، ترتیب داده شود که به عرایض متظلمین از روی کمال دقت و اهتمام رسیدگی نموده و در صورت صدور اغماض از اعضای «مجلس عدلیه»، متظلمین به «مجلس استینافی» که اعضای انجمن ملی ترتیب خواهند نمود، مراجعه و رفع ظلم نمایند (جریده ملی، ش ۳۴، ۱۳۲۴: ۴). در واقع انجمن با این اقدام خود، گام مثبت و سازنده دیگری را در جهت برآورده کردن نیازهای اساسی مردم؛ نهادینه کردن قانون‌مداری و مبارزه علیه طرفداران استبداد و نظم و ترتیب امور برداشت. هرچند که در این مورد نیز مسائل و مشکلات زیادی از قبیل نهادینه‌نشدن این نهادها در جامعه، نرسیدن قانون عدلیه، نداشتن ضمانت اجرایی احکام مجلس استیناف و کارشکنی‌های

عوامل وابسته به نظم سابق و تمکین نکردن آنها ضمن روبه‌رو کردن انجمن مقدس با چالش‌های جدی، تا حدودی زمینه‌های دل‌سرد شدن مردم را از مشروطیت، یعنی همان هدفی که مستبدان به دنبال آن بودند، نیز فراهم می‌آورد (روزنامه انجمن، ش ۱۰۲، ۱۳۲۵: ۲-۳).

انجمن در کنار ایجاد نهادهایی چون عدلیه و مجلس استیناف، که در راستای قانون‌مداری و دفاع از حقوق شهروندان صورت گرفت، تشکیل نهادهای دیگر همسو با وظایف نهادهای فوق، همچون نظمی را نیز از ضروریات جامعه شهری مدرن می‌بیند. چون با برقراری مشروطه و برچیده شدن بساط استبداد در تبریز و شکل‌گیری انجمن ایالتی و گروه مجاهدین، شرایط جدید اجتماعی اوضاع را به گونه‌ای دگرگون ساخت، که اگرچه برخورد بین محله‌ها، هرچند به طور موقت فروکش کردند، نزاع شیخی و متشرعی رنگ بخت (کسروی، ۲۵۳۷: ۱۵۸/۱)، مأموران حکومت، قدرت گذشته خود را از دست دادند، زمینه‌های رونق بازار لوطیان از بین رفته و یا تا حدود زیادی محدود شد؛ ولی از طرفی نیز با به‌هم خوردن شیوه‌های سنتی و رایج محافظت از شهر - که در گذشته زیر نظر کدخدایان محله‌ها و به نیروی فراش‌ها صورت می‌گرفت - امکان بروز ناامنی در شهر تا حدی افزایش یافت. لذا انجمن برای جلوگیری از هرج و مرج و ناامنی ناشی از تغییرات سیاسی اجتماعی پس از انقلاب، به تأسیس نظمی (رفیعی، ۱۳۶۲: ۶۵) با سازوکاری مدرن و ضوابط و مقرراتی جدید، اقدام کرد. شکل‌گیری این گونه نهادهای امنیتی جدید با سازماندهی صحیح، ولوله و تزلزل و هراس عجیبی در ارکان متصدیان ظلم و ستم و جنایتکاران دیروزی یعنی فراش‌ها و تشکیلات استبدادی انداخت (طاهرزاده بهزاد، ۱۳۶۳: ۶۸). و حتی ستایش و تحسین نمایندگان کشورهای خارجی مقیم تبریز را نیز برانگیخت (بشیری، ۱۳۶۳: ۵۲).

۴. قیمت زیاد مواد غذایی و کمبود نان، از جمله زمینه‌های ناآرامی‌های متعدد شهری در طول دوره‌ی حاکمیت قاجار در شهرهای مختلف ایران محسوب می‌شد (فوران، ۱۳۸۹: ۲۳۸). به‌طوری‌که یکی از انگیزه‌های انقلاب مشروطه هم در همین مسئله نهفته بود (کسروی، ۲۵۳۷: ۱۴۲/۱). انجمن تبریز به تقاضای مردم برای کاهش قیمت کالاهای اساسی، نظیر نان و گوشت ترتیب اثر داد (کسروی، ۲۵۳۷: ۱۱۲/۱) و با

توجهات مکرر به این مسئله و وضع قوانین و مقررات ویژه و تشکیل جلسات و تعیین هیئت‌های متعددی که در شماره‌های مختلف روزنامه‌ی انجمن به آنها اشاره شده، در رفع موانع تأمین غله مورد نیاز مردم شهر کوشید. هرچند که نبود قوانین و مقررات از یک سو و عدم تمکین عده زیادی از ملاکین و صاحبان دهات و قراء به دستورات انجمن و دلبستگی آنها به نظام استبدادی قدیم و حمایت‌ها و تحریکات عوامل درباری (کسروی، ۲۵۳۷: ۱۴۲/۱-۱۴۳) و مسائل دیگری چون ناامن بودن راه‌ها و ... مسائلی بودند که باعث لاینحل باقی ماندن مسئله تأمین غله مورد نیاز شهر شده بود، مخصوصاً در زمان بروز برخی هیجانات و انقلابات در مردم شهر و یا سایر نواحی آذربایجان، این مسئله به‌طور جدی خود را نشان داده و زمینه‌های کمبود نان و نارضایتی و شورش مردم شهر را در پی می‌آورد (روزنامه انجمن، ش ۹۶، ۱۳۲۵: ۲).

۵. مسئله توجه به تنظیفات و بهداشت شهری هرچند جزو وظایف «بلدیه» محسوب می‌شد، ولی تصویب دیر هنگام «قانون بلدیه» در مجلس شورای ملی از طرفی و میزان نفوذ و جایگاه انجمن ایالتی در بین اهالی شهر و عوامل دیگری چون «... شاخه قوی استبداد در داخل شهر و ناامنی گسترده در منطقه آذربایجان، ...» که تمام ذهنیت مردم و انجمن‌های رسمی و غیررسمی را به سوی خود سوق داده بود (فلاح توتکار و بی طرفان، ۱۳۹۱: ۵۵)، از جمله عواملی بودند که باعث گردیدند حداقل تا زمان شکل‌گیری «انجمن بلدیه» در تبریز، و حتی پس از تشکیل آن، بسیاری از مسائل مربوط به وظایف بلدیه، از قبیل تنظیم نرخ ارزاق و تنظیفات و بهداشت شهری نیز با وجود اداره بلدیه و ریاست رفیع‌الدوله، بیگربیگی شهر (روزنامه انجمن، ش ۳-۴، ۱۳۲۵)، بر آن، در محدوده وظایف انجمن قلمداد گشته و اعضای انجمن ایالتی به حل این مسائل، که از خواسته‌های جامعه شهری مدرن محسوب می‌شدند، اقدام نمایند. از نمونه اقدامات انجمن در خصوص تنظیفات شهری زمانی است که رفیع‌الدوله، بیگربیگی تبریز، در پی درج مکتوبی در روزنامه انجمن با عنوان «حفظ الصحه» به تاریخ ۳ شعبان ۱۳۲۵ق. که طی آن عامل بسیاری از بیماری‌های اهالی شهر و سستی و پژمردگی و بیحالی اهالی را «... عدم رعایت حفظ‌الصحه و تنظیف شهر و کثافات...» دانسته بود (روزنامه انجمن، ش ۱۳۲، ۱۳۲۵: ۲)، مجموعه مقررات بهداشتی در خصوص

تنظیفات شهری که مشتمل بر ده فصل بود، نوشته و جهت تصویب به انجمن ایالتی می‌فرستد. اعضای انجمن نیز پس از بررسی این فصول، آن را تصویب و طی یادداشتی از ایالت جلیله می‌خواهند تا آنها را به‌عنوان دستورالعمل بهداشتی، به موقع اجرا بگذارد (روزنامه انجمن، ش ۱۴۶، ۱۳۲۵: ۴).

انجمن تبریز در دوره اول فعالیت خود، در سایه آمادگی مردم تبریز برای انجام اقدامات مدنی (هدایت، ۱۳۷۵: ۲۰۲)، دست به فعالیت‌های دیگری نیز از قبیل اجرای برنامه‌های تبلیغی در توسعه فرهنگ حمایت از تولیدات تولیدکنندگان داخلی با تشویق مردم به مصرف کالاهای تولید داخلی، جهت جلوگیری از خروج ارز از کشور (جریده ملی، ش ۲۵، ۱۳۲۴: ۴)، همراهی و مشارکت در تأسیس مؤسسه خیریه دارالتربیه برای ایجاد شغل و کار برای بیکاران جهت جلوگیری از گسترش فقر و تکدی‌گری در شهر (روزنامه انجمن، ش ۱۳۵، ۱۳۲۵: ۴؛ هدایت، ۱۳۷۵: ۲۰۲) اصلاح اوزان و تغییر نرخ‌ها و مظنه‌جات زد که به علت عدم توجه عمال و کارگزاران، افزایش یافته بود (ویجویه ای، ۱۳۸۶: ۱۳). همچنین انجمن با وجود تمامی مشکلاتی، که به برخی از آنها در صفحات قبل اشاره شد، سعی نمود تا به عنوان یک نهاد اجتماعی، زمینه‌های مشارکت شهروندان در اداره امور شهر را با ارائه الگوی مدرنی از مدیریت شهری مبتنی بر رأی و نظر همگانی (با توجه به حضور آزادانه و فعال مردم و وکلای اصناف در جلسات اعضای انجمن تبریز و بیان خواسته‌ها و مشکلات و انتقادات خود)، فراهم آورد، که شاید در نوع خود بی‌نظیر و حتی در کشورهای پیشرفته آن روز دنیا نیز کمتر می‌توان نمونه‌ای برای آن سراغ گرفت.

دور دوم فعالیت انجمن

با وقوع تحولات سیاسی در تهران و کودتای محمدعلی شاه علیه مجلس و مشروطه و برقراری دوره جدیدی از خفقان و استبداد در کشور، تحولات تبریز و آذربایجان هم وارد مرحله جدیدی شد. هم‌زمان با به توپ بستن مجلس، عوامل برپاکنده «انجمن اسلامی»^۱ در

۱. این انجمن توسط «میرهاشم شتربانی»، به تحریک محمدعلی شاه (تاریخ مشروطه. ج ۲. ص ۴۹۲) در دم دروازه سرخاب که مابین دو محله بزرگ شتربان و سرخاب است، تشکیل و با همراه کردن اهالی این دو محله با خود و

تبریز نیز احتمالاً با هماهنگی دربار، فرمان قتل و غارت مشروطه‌خواهان تبریز را صادر کردند، و مجاهدان و مشروطه‌خواهان شهر را به یک جنگ غیرمنتظره‌ای کشاندند. به طوری که با شروع ناگهانی این جنگ، برای مدتی موقت، رشته انتظام انجمن ایالتی از هم گسیخت و اعضای آن با این تصور که کار مشروطه به پایان خود رسیده، هریک به پناهگاهی پناهنده شدند. بصیرالسلطنه و اجلال‌الملک، هر دو در کنسولخانه روس؛ سید حسن شریف‌زاده و چند نفر از آزادی‌خواهان و میرزا حسین واعظ در کنسولخانه فرانسه، بست نشستند. برخی هم در به روی خود بسته از خانه خود بیرون نیامدند و جمعی هم به خانه دوستان خود پناه بردند و سایرین هم متفرق گردیدند (کسروی، ۲۵۳۷: ۶۷۸/۲؛ امیرخیزی، ۲۵۳۶: ۱۱۰).

منتها با خیزش مجاهدان تبریز به سرکردگی ستارخان، باقرخان، علی مسیو، حاجی علی دوافروش و حاجی مهدی آقا و دیگران در برابر عوامل استبداد، تبریز رسماً وارد دوره یازده ماهه پایداری و مقاومت در برابر تهاجمات نیروهای دولتی، بر سر آمال سیاسی بزرگی که همان برپایی دوباره حکومت مشروطه در سطح کشور بود، گردید. در ابتدای دوره مقاومت به علت خروج مخبرالسلطنه هدایت، والی ایالت از آذربایجان و انحلال موقتی انجمن، در شهر بی قدرتی کامل مشاهده می‌شد و مردم به شدت سراسیمه و دستپاچه شده بودند (بشیری، ۱۳۶۷: ۲۴۹/۱-۲۵۰). بنابراین، سرکردگان مجاهدان و در رأس آنها ستارخان، برای سروسامان دادن به کارها و نظارت بر امور و رسیدگی به کارهای مردم، دوباره انجمن تبریز را با اعضای جدیدی چون: میرزا محمدتقی طباطبایی، که ریاست انجمن را برعهده گرفت، حاجی مهدی کوزه‌کنانی، سید حسین خان عدالت، میرزا اسمعیل نوبری، میرزا حسین واعظ، میرزا رشتچی، حاجی محمد اهرابی، شیخ محمد خیابانی، حاجی میر محمدعلی اصفهانی، حاجی شیخ علی اصغر لیل آبادی و عده‌ای دیگر برپا کردند (کسروی، ۲۵۳۷: ۷۰۹/۲-۷۱۰؛ رفیعی، ۱۳۶۲: ۷۵).

علمایی چون میرزا حسن مجتهد و... و بانی خواندن مشروطه‌طلبان، زمینه‌های دودستگی و اختلاف و جنگ و درگیری و قتل و غارت را در شهر تبریز به وجود آورد (محمدتقی جورابچی (۱۳۸۶). حرفی از هزاران اندر عبارت آمد. به کوشش علی قیصری. تهران: نشر تاریخ ایران. ص ۱۳۱-۱۳۰)

انجمن در این دوره از فعالیت خود، با وجود عهده‌دار بودن وظایف سنگینی چون: جانشینی مجلس شورای ملی در نبود این نهاد قانونی، دفاع از مشروطه و آزادی‌خواهی در برابر استبداد محمدعلی شاه و تلاش برای ایجاد هماهنگی بین آزادی‌خواهان و مشروطه‌خواهان داخل و خارج کشور و مدیریت آنها در برابر توطئه‌های عوامل استبداد و حامی خارجی آنها یعنی دولت روس، و از همه مهم‌تر مدیریت امور مجاهدان در جنگ نابرابر تبریز در برابر نیروهای دولتی و عوامل آنها، به قول آفاری با ایجاد نهادهای دموکراتیک در گرماگرم جنگ، به جای برقراری حکومت نظامی (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۹۷)، و مدیریت بهینه امور شهروندان، کارنامه درخشانی از یک الگوی شبه «دولت محلی» شهری مدرنی را نیز از خود به یادگار گذاشت. به طوری که ضمن مدیریت امور مربوط به جنگ و مجاهدان، و تشکیل کمیسیون اعانه جهت نظارت بر مخارج جنگ و دادن اعانه به مجاهدان (جورابچی، ۱۳۸۶: ۱۴۸؛ یزدانی، ۱۳۸۹: ۱۰۴)، و در عین به رسمیت نشناختن حکومت عین‌الدوله بر آذربایجان، تلاش کرد از طرفی با انجام مذاکرات با عین‌الدوله، به لحاظ دیپلماتیک به حل بحران جنگ پرداخته، و از طرف دیگر نیز با انتشار روزنامه «ناله ملت»، و انجام مکاتباتی با انجمن سعادت استانبول و علمای نجف، ضمن جلب حمایت افکار عمومی داخل و خارج کشور به سمت مردم تبریز (کسروی، ۲۵۳۷: ۷۳۳/۲)، چهره واقعی حکومت محمدعلی شاه و عوامل او را نیز علی‌رغم تبلیغات رسانه‌های وابسته به دول روس و انگلیس علیه آزادی‌خواهان ایران، برملا و آشکار سازد.

مهم‌ترین چالش و مشکل پیش روی انجمن، پس از پیروزی مجاهدان در مقاومت چهارماهه بر نیروهای دولتی، به مشارکت و داشتن تمامی نیروهای اجتماعی جهت تداوم وحدت بین شهروندان برای سازندگی در شهر و منطقه آذربایجان و جلوگیری از ناامیدی مردم از مشروطه بود. چون بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ چهار ماهه، و بازگرداندن امور به نظم سابق، خود مهم‌ترین وظیفه‌ای بود که پس از پیروزی بر نیروهای دولتی و عوامل استبداد، بر دوش انجمن تبریز سنگینی می‌کرد. در اثر این جنگ، تمام بازار و بازارچه‌ها و بیشتر بناهای معموره شهر، سوخته و خراب گردیده، ادارات مالیه، بلدیّه، نظمیّه، عدلیّه، معارف و... تعطیل و نظم و ترتیب آنها به هم ریخته، و به علت موقعیت جنگی شهر، تجارت به عنوان شریان حیاتی شهر در حالت تعطیلی به سر می‌برد، اکثر مردم و اهالی

در گروه‌های مجاهدین مسلح و هنوز در یک نظم قشونی قرار نگرفته، و مردم از حیث تأمین مایحتاج خود در مضیقه و به‌علت ازدست‌دادن عزیزان خود، ماتم‌زده و سوگوار بودند و مسائل دیگری که به نظم و ترتیب در آوردن آنها کاری بس سخت و دشوار بود. مسئله و مشکل دیگری که امید به انتظام امور را در هاله‌ای از ابهام فرو برده بود، باقی‌ماندن دشمنان آزادی ملت در پشت دروازه‌های شهر و تداوم کینه و نفرت آنها و محمدعلی شاه از این زخمی بود که از مقاومت تبریز بر پیکره حیثیت و آبروی آنها وارد آمده بود. همچنین بهانه‌جویی‌های حامی بیگانه آنها، دولت روسیه تزاری، نیز به هیچ‌وجه نمی‌توانست پیروزی مشروطه‌خواهان ایران، مخصوصاً مشروطه‌خواهان تبریز و آذربایجان را که ارتباط مستقیمی با آزادی‌خواهان منطقه قفقاز داشتند، تحمل کند. ضمن این که مسئله نوع تعامل انجمن با مجاهدان و میزان سهمی که آنها به‌علت نقش عظیم خود در مقاومت و پیروزی بر نیروهای دولتی، در اداره امور شهر برای خود قائل بودند و انجمن نیز حیات دوباره خود را در سایه حمایت‌های آنها باز یافته بود، امری بود که در این دوره از فعالیت انجمن تا حدودی استقلال عمل آن را تحت الشعاع خود قرار داده بود.

ولی اعضای انجمن بدون هیچ‌گونه وا همه و ناامیدی، جلسات شبانه‌روزی خود را از فردای روز پیروزی آغاز کردند، تا شاید بتوانند ایستادگی و مقاومت اهالی را با به‌نظم در آوردن اوضاع شهر پاس داشته و مانع از چیرگی روحیه ناامیدی بر مردم داغ‌دیده، که خواست مخالفان مشروطه هم بود، گردند. لذا بر اساس اولویت‌های زیر دست به اقدام زدند:

۱. برقراری دوباره اداراتی چون نظمیه، بلدیه، عدلیه و ... جهت انتظام‌دادن به کارهای شهر (ناله ملت، ش ۳۲، ۱۳۲۶: ۴). همچنین از طریق جلب مأمورین تلگراف، سعی در دایر کردن اداره تلگرافخانه که بالکل شیرازه آن از هم گسیخته شده بود، برآمدند. ریاست اداره نظمیه را نیز همچنان به اجلال‌الملک سپرده و ضمیمه حکومت ایشان کردند (روزنامه انجمن، ش ۱۴، ۱۳۲۶: ۲). مهم‌ترین مشکلی که در این زمان باعث عدم پیشرفت کارها بود و موانعی بر سر راه سرعت‌دادن به نظم و ترتیبات شهری ایجاد می‌کرد، نبود نیروهای کارآموده و متخصص بود که البته در زمان مورد نظر این مشکل در سراسر کشور عمومیت داشت (روزنامه انجمن، ش ۱۴، ۱۳۲۶: ۲).

۲. انجمن تبریز، همچنین برای جلوگیری از بروز برخی بی‌اعتدالی‌ها و به نظم و انتظام در آوردن هرچه سریع‌تر اوضاع شهر، طی جلسه‌ای که با حضور تمامی معاریف و تجار و بزرگان شهر و سردار و سالار ملی برگزار کرد، ضمن مذاکره در خصوص اصلاحات فوری شهر و دادن تذکرات لازم در این باب، مجازات‌های سختی هم برای افرادی که پای از دایره اعتدال بیرون نهاده و موجبات آزار اهالی، مخصوصاً در محلات شتریان و ششگلان (یعنی مناطقی که در دوره مقاومت در اختیار نیروهای مخالف مشروطه بودند) شوند در نظر گرفت. ضمن این که در همان جلسه با ارسال تلگرافی به محمدعلی شاه، بر اقدام شاه در افتتاح مجلس و اجرای قانون اساسی تأکید نمود (روزنامه انجمن، ش ۱۴، ۱۳۲۶: ۳).

۳. تشکیل کمیسیونی برای تعیین خسارات وارده بر اتباع دول خارجه و اهالی شهر. این موضوع به علت نقشی که می‌توانست در عادی کردن روابط انجمن با کنسولگری‌های دول خارجه مقیم تبریز، مخصوصاً در بهانه‌ندادن به دست روس‌ها در جلوگیری از بروز برخی اشکالات سیاسی و دست‌زدن آنها به اقداماتی علیه مشروطه‌خواهان داشته باشد، از اهمیت و حساسیت خاصی برای اعضای انجمن برخوردار بود (روزنامه انجمن، ش ۱۵، ۱۳۲۶: ۲).

۴. نظم و ترتیب دادن به عمل تحویل غله ارگ و ذخیره غله با تعیین کمیسیونی متشکل از افراد امین و درستکار، با توجه به نقش حیاتی غله، مخصوصاً در زندگی طبقات پایین و آسیب‌پذیر شهر (روزنامه انجمن، ش ۱۵، ۱۳۲۶: ۳).

۵. به نظم و قاعده در آوردن امور مجاهدین و جلوگیری از بروز برخی حرکات خودسرانه از سوی تفنگچیان، از طریق تشکیل جلسات منظم و مشترکی با حضور ستارخان و باقرخان و اجلال‌الملک، جهت جلوگیری از شکل‌گیری مراکز تعدد قدرت در شهر و ایجاد تمرکز سیاسی و حفظ شأن و جایگاه مجاهدین در بین مردم (روزنامه انجمن، ش ۱۶، ۱۳۲۶: ۴).

همچنین سروسامان دادن به اداره تذکره؛ تأسیس مدارس و نشر معارف؛ تعیین کمیسیونی مرکب از ۷ نفر اشخاص آگاه به امور مالی جهت واریسی امورات دفتر مالیه و جمع‌آوری مالیات از جاهای سهل‌الوصول و اهتمام به عمل ارگ و وصول بروات دیوانی؛

سپردن ادارات به نیروهای انقلابی (مجاهدین) (روزنامه انجمن، ش ۲۷، ۱۳۲۶: ۱) به منظور تقویت نهادهای مدنی جدید و ایجاد تغییراتی در ساختار کهن اداری و درآوردن دیوان سالاری جامعه از دست عوامل وابسته به ساختار استبدادی کهن؛ در نظر گرفتن حقوق زنان و اولویت قائل شدن در رسیدگی به تظلمات آنها در عدلیه (روزنامه انجمن، ش ۳۰، ۱۳۲۶: ۳)؛ تأمین مالی ادارات قانونی، مخصوصاً پرداخت مواجب کارکنان آنها در شرایط بسیار حساس محاصره تبریز توسط عوامل استبداد؛ اقداماتی است که به جرأت می‌توان گفت حتی امروزه در جدیدترین الگوهای مدیریت‌های شهری جهان پیشرفته بندرت قابل اجراست. معرفی ادارات دولتی به مردم از بابت نحوه هزینه مالیات‌های پرداختی جهت جلب اعتماد و اطمینان مردم، و پیشنهاد انتشار صورت حساب‌های انجمن در روزنامه‌ها برای اطلاع افکار عمومی (روزنامه انجمن، ش ۲۸، ۱۳۲۶: ۴) - که این امر نشان از تفکر مبتنی بر مردم سالاری و دموکراسی واقعی اعضای انجمن دارد - اقدامات دیگری بود که انجمن در دوران بازسازی پس از مقاومت چهارماهه، از طریق به مشارکت گرفتن تمامی آحاد مردم تبریز از هر قشر و طبقه‌ای، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های عقیدتی و زبانی و ... در جهت حفظ حقوق شهروندان به اجرا گذاشت. به قول آفاری چشمگیرترین دستاورد این اقدامات، همان «نفس موجودیت فعال» شهر محاصره شده تبریز و شیوه‌های گوناگونی بود که انجمن تبریز در اداره امور روزانه شهر و رسیدگی به حال و روز اهالی تبریز در پیش گرفت (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۷۸).

نتیجه‌گیری

وقوع انقلاب مشروطه در ابتدای قرن بیستم، که به دنبال محدود کردن قدرت مطلقه فردی به نفع نهادهای مردمی بود، باعث شکل‌گیری نهادهای مدرنی همچون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انجمن‌های بلدی و ...، به عنوان نماد نهادهای مردمی و دموکراتیک مدیریت شهری با محوریت قانونی و رویکردی تمرکززدایانه با اختیاراتی نسبتاً وسیع و گسترده گردید. انجمن ایالتی تبریز که در دوران استبداد صغیر و تعطیلی مجلس شورای ملی، نقش این مجلس را هم در دفاع از دستاوردهای انقلاب مشروطیت برعهده گرفت، به عنوان شاخص‌ترین و موفق‌ترین نهاد مردمی شکل گرفته از دل این جنبش سیاسی اجتماعی، در

طول حیات کوتاه خود علی‌رغم کشمکش شدید و دائمی با جبهه قدرتمند و ریشه‌دار تمرکزگرایی (جبهه طرفداران استبداد و سنت و دولت مرکزی) با بهره‌گیری از پشتوانه‌های محکمی چون: فهم و درک بالای سیاسی اجتماعی و فرهنگی مردم تبریز و احساس مسئولیت آنها نسبت به مسائل حول و حوش جامعه و محیط خود؛ توانمندی و قابلیت مدیران و رهبران آزادی‌خواه آذربایجان؛ حمایت‌ها و تیزبینی‌های نهادهایی چون «مرکز غیبی» و «مجاهدان»، و نیز آشنایی با الگوهای جدید مدیریتی روز دنیای مدرن (به دلیل قرار گرفتن آذربایجان در مرکز تبادلات فرهنگی و تمدنی بین شرق و غرب (روسیه و اروپا)، و نیز سابقه بیش از یک قرن اندیشه‌های تجددخواهانه ایرانیان در این خطه از خاک کشور، و انجام کارها و تصمیم‌گیری‌ها براساس عقل و خرد جمعی، توانست نوعی الگوی مدیریتی شبه «دولت محلی» شهری مدرنی در قالب الگوی رهبری جمعی را در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به نمایش گذارد. همچنین انجمن توانست برنامه‌ها و اقداماتی را تدارک ببیند که علاوه بر آن که حافظ منافع شهر و حفظ هویت آن به‌عنوان پایتخت دوم کشور بود، به افزایش آگاهی شهروندان نسبت به وظایف و حقوق شهروندی خود، ارتقا سطح فرهنگ عمومی، زمینه‌سازی و مشارکت در حل مشکلات مربوط به بیکاری، گرانی، بهداشت، کمبود کالاهای اساسی، نظم و امنیت، جرم و جنایت، تحصیل و مانند اینها منجر شد.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). **ایران بین دو انقلاب**. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی. چ ۱۷.
- آفاری، ژانت (۱۳۸۵). **انقلاب مشروطه ایران**. ترجمه رضا رضایی. تهران: نشر بیستون. چ ۳.
- امیرخیزی، اسماعیل (۲۵۳۶). **قیام آذربایجان و ستارخان**. تبریز: کتاب‌فروشی تهران. چ ۲.
- **اولین همایش ملی مدیریت محلی کارآمد در ایران**. پاییز ۹۳. خانه اندیشمندان علوم انسانی. www.iag.ir/localgovernment.

- بشیری، احمد (به کوشش) (۱۳۶۳). **کتاب آبی**: گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران. ج ۱، تهران: نشر نو. چ ۲.
- _____ (۱۳۶۷). **کتاب نارنجی** (گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران) ج ۱. تهران: نشر نور. چ ۲.
- **جریده ملی**. س اول. ش ۲۲. ۷ ذیقعه ۱۳۲۴.
- _____ ش ۲۵. ۱۷ ذیقعه ۱۳۲۴.
- _____ ش ۲۸. ۲۵ ذیقعه ۱۳۲۴.
- _____ ش ۲۹. ۲۷ ذیقعه ۱۳۲۴.
- _____ ش ۳۴. ۹ ذیحجه ۱۳۲۴.
- جورابچی، محمد تقی (۱۳۸۶). **حرفی از هزاران اندر عبارت آمد**. به کوشش علی قیصری. تهران: نشر تاریخ ایران. چ اول.
- رفیعی. منصوره (۱۳۶۲). **انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان)**. تهران: نشر تاریخ ایران. چ اول.
- **روزنامه ملی**. س اول. ش ۱. غره رمضان ۱۳۲۴.
- _____ ش ۵. ۱۸ رمضان ۱۳۲۴.
- _____ ش ۷. ۲۴ رمضان ۱۳۲۴.
- **روزنامه انجمن تبریز**. س اول. ش ۶۹. ۱۱ ربیع الاول ۱۳۲۵.
- _____ س اول. ش ۹۶. ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۲۵.
- _____ ش ۱۰۲. ۸ جمادی الاول ۱۳۲۵.
- _____ ش ۱۲۳. ۱۳ رجب ۱۳۲۵.
- _____ ش ۱۳۲. ۳ شعبان ۱۳۲۵.
- _____ ش ۱۳۵. ۸ شعبان ۱۳۲۵.
- _____ ش ۱۴۶. ۲۷ شعبان ۱۳۲۵.
- _____ س سوم. ش ۱۴. ۲۴ رمضان ۱۳۲۶.
- _____ ش ۱۵. سلخ رمضان ۱۳۲۶.
- _____ ش ۱۶. ۴ شوال ۱۳۲۶.
- _____ ش ۱۹. ۱۴ شوال ۱۳۲۶.
- _____ ش ۲۷. ۲۲ ذیقعه ۱۳۲۶.

- _____ ش ۲۸. ۲۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۶.
- _____ ش ۳۰. ۴ ذیحجه ۱۳۲۶.
- زاهد زاهدانی، سعید و محسن زهری بیدگلی. «مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری». **مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری**. س دوم. ش ۵. زمستان ۹۱. ص ۸۳-۱۲۰.
- طاهرزاده بهزاد، کریم (۱۳۶۳). **قیام آذربایجان در انقلاب مشروطه**. تهران: نشر اقبال. چ ۲.
- عزیزاده، توحید «جامعه‌مدنی در صدر مشروطه». **کتاب ماه علوم اجتماعی**. ش ۷۱. بهمن ۹۲. صص ۷۱-۶۳.
- فلاح توتکار، حجت و محمد بیطرفان، «شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدیة تبریز در دوره اول مجلس شورای ملی». **گنجینه اسناد**. س ۲۲. ش ۳. پاییز ۹۱. صص ۵۶-۴۲.
- فوران، جان (۱۳۸۹). **مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)**. ترجمه احمد تدین. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا. چ ۱۰.
- کسروی احمد (۲۵۳۷). **تاریخ مشروطه ایران**. ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر. چ ۱۴.
- **مشروح مذاکرات مجلس ملی دوره اول**. لوح فشرده، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۱). **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**. تهران: انتشارات علمی. چ سوم.
- **ناله ملت**. س اول. ش ۳۲. ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۶.
- **نظامنامه انتخابات اصنافی**، <http://rcomajlis.ir/fa/law>
- ویجویه‌ای، محمدباقر (۱۳۸۶). **تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز**. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: انتشارات امیرکبیر. چ اول.
- ویسی، هادی «بررسی الگوهای دولت محلی و تطبیق آن با شهرهای ایران». **مجله جغرافیا و توسعه**. ش ۳۳. زمستان ۹۲. صص ۱۵۸-۱۳۹.
- هدایت، مهدی‌قلی خان (۱۳۷۵). **خاطرات و خطرات**. تهران: زوار. چ ۵.
- یزدانی، سهراب (۱۳۸۹). **مجاهدان مشروطه**. تهران: نشر نی. چ ۲.